

**Analyzing the role of German government policies in creating
military industries and arming the army during the first
Pahlavi period**

Ebrahim Emadi¹
Amir Akbari²
Abul Hasan Mobin³

Received: 26 May 2023
Reception: 23 July 2023

Abstract

During the first Pahlavi period, the Germans tried to invade the body of Iranian society, its active and influential classes and groups and in this way, they did not hesitate to make any effort to influence the ruling body and the rulers of the country, and these efforts which began in the years It started before the World War, now it has been widely continued, and one of its goals has been to infiltrate Iran's military industries and military weapons, and the problem of the current research is what role the German government played in the creation of military and armament industries during the first Pahlavi period. Did he have an army? The current research method is historical (inductive) and the method of collecting information documents and libraries, which is used to describe and analyze the material, and the findings of the current research show that Reza Shah built three aviation schools in Ahvaz, Mashhad and Tehran which influence Germany has been significant in them, and the presence of German military advisers, the purchase of Iranian weapons from this country are other signs of German influence in Iran's military industries during the first Pahlavi period, and this was despite the fact that the German government never provided weapons to Reza Shah's government. did not give full support which is relevant in the field of foreign relations between the two countries.

Key words: Iran, first side, military equipment, military industries, German influence

¹ Doctoral student of History Department, Bojnord branch, Islamic Azad University, Bojnord, Iran.

² Assistant Professor of History Department, Bojnord Branch, Islamic Azad University, Bojnord, Iran. (Responsible author)

³ Assistant Professor of History Department, Bojnord Branch, Islamic Azad University, Bojnord, Iran.

واکاوی نقش سیاست های دولت آلمان در ایجاد صنایع نظامی و تسلیح ارتش در دوره پهلوی اول

ابراهیم عمادی^۱
 امیر اکبری^{۲*}
 ابوالحسن مبین^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۰۵
 تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۲۱

چکیده

در دوره پهلوی اول، آلمانی ها سعی کردند به بدنه جامعه ایران، طبقات و گروه های فعال و تأثیرگذار آن هجوم ببرند و از این طریق از هرگونه تلاش برای نفوذ به ایران اجتناب کردند و حاکم و اشراف کشور در نوزند هستند و این تلاش ها که از سال های قبل از جنگ جهانی آغاز شده بود، اکنون به صورت گسترده ادامه یافته و یکی از اهداف آن نفوذ در صنایع نظامی و تسلیحات نظامی ایران بوده است و مزیت تحقیق حاضر این است که دولت آلمان در ایجاد صنایع نظامی و تسلیح ارتش در دوره پهلوی. او چه نقشی داشته است؟ روش تحقیق حاضر، تاریخی (استقرایی) است و روش گردآوری اطلاعات، سند و کتابخانه ای است که با این روش توصیف و تحلیل شده است و یافته های پژوهش حاضر نشان می دهد که رضاشاه او سه مدرسه هوانوردی در اهواز، مشهد و تهران ساخت که نفوذ آلمانی ها قابل توجه بود و حضور مستشاران نظامی آلمان، خرید تسلیحات ایرانی از این کشور، از دیگر نشانه های نفوذ آلمان در صنایع نظامی ایران در دوره پهلوی اول است و این زمانی بود که دولت آلمان به طور کامل دولت رضاشاه را از نظر تسلیحاتی رد کرد، او به طور جدی از اینکه پرداختن به این موضوع در حوزه روابط خارجی دو کشور موضوعی است، حمایت نمی کرد و برای همیشه

کلمات کلیدی: ایران، ضلع اول، تجهیزات نظامی، صنایع نظامی، نفوذ آلمان

^۱دانشجوی دکتری گروه تاریخ، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران.

Ariyaa7377@gmail.com

^۲استادیار گروه تاریخ، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران. (نویسنده مسئول)

Amirakbari84@yahoo.com

^۳استادیار گروه تاریخ، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران.

Mobayen2005@yahoo.com

۱. مقدمه

پس از شروع جنگ جهانی اول کشورهای مختلفی درگیر جنگ شدند و ایران یکی از کشورهایی بود که به دلیل اهمیت جغرافیایی و استراتژیک به محل رویارویی دولت های متخاصم تبدیل شد و دولت ایران علیرغم اعلام بی طرفی با تهاجم کشورهای درگیر جنگ مواجه شد و به پایگاه نظامی دولت های متحد و متحد تبذیل شد و بر اساس معاهده ۱۹۳۳/۱۹۱۵، دولت های روسیه و انگلیس ایران را به دو بخش تقسیم کردند: بخش های شمالی در تصرف روس ها و بخش های جنوبی در تصرف انگلستان بود و دولت عثمانی نیز مناطق غربی ایران را اشغال کرد و آلمان نیز از این طریق وارد کشور شد و سیاست های خود را در مناطق مختلف اجرا کرد و در این نظم مناطق مختلف ایران به جولانگاه نیروهای متحد تبدیل شد و سیاست ها و حضور نظامی آنها از جنبه های مختلف ایران را تحت تأثیر قرار داد (رعنائی، ۱۳۹۶: ۱۹).

گرایش به آلمان واکنشی طبیعی در برابر تحقیر ملی ایران و تنزل آن تا مرز مستعمره دولت های انگلیس و روسیه بود و در واقع در شرایطی که ایران با تهاجم این کشورهای استعمارگر روبه رو بود و قدرتی برای رهایی پیدا نمی کرد، نیاز به حکومتی مقتدرتر برای رهایی کشور از چنگال هر دوی آنها احساس می شد و آلمان. بشتاب پس از رهایی از ضعف و انزوای پس از جنگ اول در سطح جهانی به سمت اهدافی پیش می رفت که بارقه های امید به رهایی را در دل دولتمردان ایرانی روشن می کرد و اگرچه سابقه روابط ایران و آلمان به گذشته های دور باز می گردد، اما گسترش این روابط در اواسط سال های ۱۳۱۱ تا ۱۳۲۰ شمسی به اوج خود رسید و با به قدرت رسیدن هیتلر و شعار برتری نژادی آریایی ها، ایرانیان تحقیر شده به هواداران آلمانی زیادی تبدیل شدند تا به آن بازگردند اصول و افتخاراتی که در چشم انگلیس و روسیه می دیدند نابود شد.

فعالیت های تبلیغاتی آلمان در ایران و شیفتگی برخی از اشراف و روشنفکران ایرانی به دولت نازی و قدرت سوم در کشور، باعث تحقق این ایده شد که با این دولت قدرتمند جدید، نه با زور و سلطه، بلکه با مذاکره و مذاکره. دیپلماسی برای شکستن بن بست ایران گامی رو به جلو برداشته است و به همین دلایل همکاری با آلمان در این سال ها به یک وظیفه ملی تبدیل شده بود و همچنین باید روحیه طرفداری از این قدرت تازه و بی نظیر اروپا که ظاهراً به دنبال استعمار نبود، رشد کند و در این میان، همسویی سیاستمداران و روشنفکران جامعه با اهداف و شعارهای آلمانی،

قبل و بعد از شکست آلمان از متفقین، تأثیرات گوناگونی در همه عرصه ها بر جامعه، افکار، فرهنگ، اقتصاد، سیاست، تسلیحات نظامی و... داشت و قرار دادن

یکی از بخش هایی که در زمان رضاشاه بسیار تقویت شد و بخش مهمی از بودجه کشور را به خود اختصاص داد، بخش تسلیحات و صنایع نظامی کشور بود و بر اساس این توافق، بازرسان ارشد به طور مرتب از تأسیسات آلمان بازدید می کردند تا هرگونه فعالیت تولید سلاح را بررسی کنند و در این کشور پیدا کنید و در بر اساس این اصل، آلمانی ها به فعالیت های تسلیحاتی خود علاقه مند بودند در کشورهای دیگر مهم ترین اقدامات را در این رشته در روسیه انجام شد و بدین ترتیب صنایع شیمیایی ساخت زیردریایی و کارخانه هواپیماسازی آلمان در روسیه راه اندازی شد (نورایی و ملکی، ۱۳۹۳: ۱۰۰).

در ایران در این زمان دولت به دنبال به کارگیری کارشناسان نظامی خارجی برای تقویت ارتش بود، از این رو در سال ۱۳۰۲/۱۹۲۲ یکی از افسران سابق ارتش آلمان به نام هارتمن به استخدام دولت ایران در آمد تا کارخانه اسلحه سازی را در سال ۱۳۹۱ ایجاد کند و تهران. در او آمد و کمی بعد چهار نفر آلمانی های دیگر به او پیوستند و در ۱۹۲۳/۱۳۰۳ دو نفر افسران آلمانی که متخصص مسلسل های ماکسیم بودند وارد ایران شدند و در این زمان دولت ایران ضمن تحویل گرفتن یک کشتی (این کشتی پهلوی نام داشت) مقدار زیادی اسلحه و مهمات از آلمان خریداری کرد و هجده متخصص ایرانی برای آموزش تسلیحات نظامی به آلمان اعزام شدند.

در سال ۱۹۲۵/۱۳۰۴ طرح راه اندازی ۷ کارخانه اسلحه سازی در ایران تصویب شد، زیرا این طرح بسیار دشوارتر از توانایی دولت ایران بود و پس از مشورت با کارشناسان آلمانی، این طرح با توجه به شرایط اقتصادی ایران به تصویب رسید و این طرح شامل احداث کارخانه لوله سازی با ظرفیت تولید روزانه ۲۰ لوله، کارخانه باروت سازی بود و تجهیزات این کارخانه ها تا سال ۱۹۲۹/۱۳۰۸ به ایران رسید و این کارخانه ها در همان سال شروع به کار کردند (معتزاد، ۱۳۷۷: ۸۰-۸۵).

پس از ۱۳۱۲/۱۹۳۲، دولت ایران گام جدیدی برای گسترش روابط صنایع تسلیحاتی خود با آلمان برداشت و قراردادی در برلین به امضا رسید که طی آن آلمان ها کارخانه ای را تأسیس کردند و تولید اسلحه با ظرفیت روزانه ۲۰ اسلحه ایران انجام داد البته چون این کارخانه پاسخنگوی نیازهای روزافزون ایران نبود، کارخانه بزرگتری با ظرفیت تولید روزانه ۱۰۰ تفنگ

خریداری شد که در سال ۱۳۱۸/۱۹۳۹ افتتاح شد و به موازات این اقدام یک کارخانه مسلسل سبک و ۳۰۰ مسلسل سنگین در دوشان تپه نصب و شروع به کار کرد و با توجه به آنچه در صفحه گفته شد، آماده پاسخگویی به این سوال هستیم که دولت آلمان با نفوذی که در ایران داشت، در تأسیس صنایع نظامی و تسلیح ارتش در دوره پهلوی اقدام کرد و او چه نقشی داشته است؟

۲. پیشینه تحقیق

از مهمترین تحقیقات انجام شده در موضوع تحقیق حاضر می توان به موارد زیر اشاره کرد:

آبادیان (۱۳۸۵) در مقاله ای به بررسی «ایران و قدرت های بزرگ در جنگ جهانی دوم» پرداخته است و این اثر که بر اساس اسناد و مدارک وزارت امور خارجه تنظیم شده است، یک اثر پژوهشی مهم درباره واقعیت روابط ایران و آلمان است و در این مقاله بر اساس مستندات وزارت امور خارجه ستون پنجم آلمان توضیح داده شده است و او بدون هیچ گونه جانبداری و اغراق به واقعیت موضوع پرداخته است و همچنین با توجه به اهمیت موقعیت استراتژیک ایران، چگونگی اشغال ایران توسط متفقین را توضیح دهید.

نظری (۱۳۸۵) در مقاله « هویت سام و هویت طبران : مطالعه موردی دوره پهلوی اول » با هدف درک فرآیند تثبیت الگوی هویت انجام شد و سستی پهلوی اول (۱۳۰۰-۱۳۲۰)، عناصر و مولفه های درونی آن حول چهار محور اصلی وحدت کشور، باستان گرایی دلبستگی به وطن، تداوم سلطنت و جایگاه شاه تحلیل می شود.

در بررسی « ایران پریمون و سیر تحول روابط دولت و حکومت » ملت در عصر پهلوی ابتدا دریافت که هر دو اقدام دولت پهلوی اول یعنی تجلید ساختار اقتصادی و گسترش نظارت بر تمامی عرصه های زندگی جمعی جامعه با وضعیت ایران در نظام جهانی مرتبط است.

خیرلندیش و همکاران (۲۰۱۷) در مطالعه «ارتباطات فرهنگی ایران و آلمان و تاثیر آن را در جریان ها روشنفکر در ایران (۱۲۵۶ تا ۱۲۹۷ هجری قمری - ۱۲۸۸ تا ۱۳۳۶ هجری قمری)» دولت آلمان را پیدا کرد و در دوران قاجار با درک ساختار بین بین المللی تحت تاثیر قرار گرفته است از دو قدرت روسیه و انگلستان و بیش از حد چنین درک درست است قدرت دیپلماسی فرهنگی، فعالیت فرهنگی سازگار و گسترده E در بسیاری از

کشورها از جمله ایران آغاز ارتباط انجام داد فرهنگی ایران - آلمان و نفوذ زیاد در جریان روشنفکر ایران داشته است

رفیع و عباس زاده مرزبالی (۱۳۹۶) به «نظرسنجی روابط ایران و آلمان در عصر پهلوی» در این مقاله ابتدا خلاصه ای از روابط ایران و آلمان قبل از روی کار آمدن رضاشاه ارائه شد و سپس این روابط در دوره رضاشاه و در دو دوره ۱۳۰۴ تا ۱۳۱۲ (دوره وایمار) مورد بررسی قرار گرفت و جمهوری) و از سال ۱۳۱۳ تا ۱۳۱۸ (دوره حکومت نازی ها قرار گرفت). در این مقاله روابط ایران و آلمان فدرال (که پس از جنگ جهانی دوم برقرار شد) در دوره محمدرضا شاه مورد بررسی قرار گرفت.

پورمحمدی املشی و جوانمردی (۱۴۰۰) در بررسی «اثر روابط خارجی در گفتمان مدرنیته در دوره پهلوی اولاً متوجه شدند که مدرنیسم تا زمانی که در دوره پهلوی به شکل یک گفتمان در نیامد، نمی تولد به مرحله اجرا برسد و در دوره مورد بحث به بعد اقتصادی این مقوله توجه شد و از طریق توسعه روابط با کشورهای غربی اجرا شد و از سوی دیگر، مدرنیسم در ایران با دو دسته از طرفداران روبرو بود: برخی خواهان تسلیم مطلق بودند و برخی معتقد به رویکرد گزینشی به این مقوله بودند.

۳. روش تحقیق

روش تحقیق کنید مورد نظر در این تحقیق کنید تاریخی (استقرایی) و روش جمع آوری اطلاعات، اسناد و کتابخانه ها است ممکن است از این روش برای توصیف و تحلیل مطالب استفاده شده باشد.

۴. یافته ها

۴-۱- شکل گیری صنایع نظامی ایران در دوره پهلوی اول

نتیجه ناگوار رویارویی ارتش صفوی و عثمانی در جنگ چالدران (۱۹۲۰م) و پی بردن به تأثیر سلاح هایی مانند تفنگ و توپ در تعیین نتیجه کارزار، رویکرد ایرانیان در استفاده از سلاح گرم را به دنبال داشت و علیرغم ظهور این ضرورت سیاسی و نظامی، در دوره صفویه روند تولید سلاح های نظامی به وجود نیامد و دستیابی و استفاده از این نوع سلاح های پیشرفته تنها در چارچوب خرید و واردات آنها صورت می گرفت و همین امر باعث حضور و نفوذ کشورهای اروپایی در ارتش و سیاست ایران شد و اقدامات عباس میرزا و به دنبال آن میرزا تقی خان، امیر نظام (امیر کبیر) و... تلاش های پراکنده ای بود که نتوانست پاسخگوی نیاز نیروهای مسلح ارتش نابسامان ایران باشد.

به نظر می رسد دلایل متعددی باعث عدم ایجاد یا وقفه در شکل گیری صنایع نظامی در دوره قاجار شده است که مهمترین آنها عبارتند از:

الف- عدم سیاست های اصولی در زمینه سیستم ها و صنایع تسلیحاتی از سوی دولت های وقت.

ب- نبود زیرساخت های اقتصادی و نبود فناوری مناسب برای ایجاد این صنایع و تولید سلاح های پیشرفته.

ج- تعدد در تشکیلات نظامی ایران مانند «باری گارد، قزاق، ژاندارمری و...» که هر کدام دارای سلاح سازمانی مستشاران نظامی خارجی بودند.

د- سهولت دستیابی به سلاح های پیشرفته نظامی از طریق تجارت اسلحه (به دلیل موقعیت جغرافیایی ایران).

ه- کمبود نیروی انسانی در زمینه ها و مراحل مختلف ایجاد، توسعه و فعالیت در صنعت تسلیحات.

و- مداخله کشورهای انگلیس و روسیه و استفاده از اهرم فشار و ایجاد موانع بر سر سعه این صنایع بر اساس سیاست های منطقه ای آنها. (نوبخت، ۱۳۴۲، ۱۳۴-۱۳۵).

عوامل مذکور کم و بیش خاستگاه اثر در دوره های مختلف پادشاهی قاجار بوده است و لذا در پایان این دوره پیشرفت روشن و چشمگیری در زمینه ایجاد صنایع نظامی حاصل نشد و این امر در مقایسه تطبیقی با اقدامات اصلاحی رضاخان سردار سپه آشکارتر می شود و اساساً صنایع نظامی و تسلیحاتی ایران در اواخر دوره قاجار که متشکل از کارخانه های متعدد ساخت توپ و توپ بود، به هیچ وجه نمی توانست زمینه ساز ایجاد صنایع نظامی و مدرن باشد و پیشرفته برای استفاده در ضمناً در اطلاق اصطلاح «صنایع نظامی و تسلیحاتی» به تعداد محدودی از کارخانه ها که کارایی کمی داشتند باید دقت کرد، اصولاً صنایع نظامی دارای پایه هایی هستند که بارزترین ویژگی های آن عبارتند از:

الف- تکیه صنایع نظامی بر تحقیقات صنعتی و یافته های علمی.

ب- وجود کارخانه ها و صنایع تبدیلی که مواد اولیه کارخانه های اسلحه سازی را تامین می کنند.

ج- بکارگیری کارشناسان، مهندسان نرم افزار و کارگر. در این صنایع.

د- ایجاد موسسات فنی پیرامونی بر اساس برنامه ریزی در حوزه اقتصاد کلان صنعتی. (علیقلی بیگلرپور و دیگران. بی تا، ۱۳۲)

اینها ویژگی کارخانجات و صنایع اسلحه سازی پیشرفته در اروپا بود و مشخص است که چندین کارخانه باروت سازی وجود دارد و مهمات

سازی، زین سازی و... که یادآور اصلاحات امیرنظام در دوران صدارت بود، نه تنها این ویژگی ها را نداشت، بلکه حتی نتوانست پایه ای مؤثر برای راه اندازی و گسترش صنایع نظامی در روند اصلاح مدرن باشد و ارتش ارتش جدیدی که در دوره رضاشاه در سال ۱۳۰۳ ایجاد شد، بعدها دارای یگان ها و لشکرهای جدید نظامی شد که تا آن زمان در ارتش ایران بی سابقه بود و مانند نیروی هوایی نیروی دریایی، یگان های رزمی و مکانیزه، ضد هوایی و سلاح های شیمیایی.

طبیعی است که تامین تسلیحات و لجستیک و تولید مایحتاج این بخش های جدید در حد مزرعه کوچک موجود نبود و در پی این اصلاحات نظامی، ضرورت برنامه ریزی برای رشد صنایع نظامی احساس شد.

این دگرگونی که در ساختار ایران رخ داد نیازمند برخی نهادهای صنعتی، سازمان های لجستیکی و مراکز نگهداری سلاح های پیشرفته بود و فقدان این مبانی نظامی باعث شد که کشورهای قدرتمند اروپایی در زمینه واردات تسلیحات و ایجاد صنایع نظامی رویکرد همه جانبه داشته باشند و در واقع هرگونه بررسی ارتش ایران در دوره پهلوی اول باید در تعامل با دوجانبه باشد و اقدامات ایران و کشورهای اروپایی بررسی کنید، روند تسلیح ارتش، ایجاد کارخانه های اسلحه سازی و روش های آموزشی نظامی و... در این راستا انجام شد.

در واقع یکی از ویژگی های ساختاری ارتش ایران است که خود باعث بروز این پدیده شده است ورود ضعف های متعدد در ارتش، حضور و نفوذ عوامل و مستشاران در ارتش که منجر به ناهماهنگی و ناهمگونی شد و کشورهای روسیه، انگلستان، فرانسه و آلمان هر کدام در طی سالیان متمادی پس از جنگ های ایران و روسیه در بازسازی، برنامه ریزی، آموزش و تسلیح ارتش ایران نقش داشت مجازات داشتند و حضور مستشاران نظامی و نقش کشورهای خارجی در ایجاد صنایع نظامی در دوره رضاشاه ادامه یافت و حتی بر شدت و تنوع رشته های آن افزود و این موضوع حتی در زمان روی کار آمدن رضاخان نیز مشخص است و به این ترتیب «رهبری لورن» دولت انگلیس را وادار کرد تا ارتش رضاخان را مجبور به تهیه تجهیزات اضافی (به ویژه توسعه های مورد استفاده در مناطق کوهستانی) کند و برای خرید کامیون، هواپیما و نفربر زرهی درخواست اعتبار کرد و انگلیسی باید در اختیار رضاخان قرار گیرد (رئیس طوسی، ۱۳۶۹، ۱۰۶).

۴-۲- دلایل تمایل دولت آلمان به همکاری با دولت ایران در زمینه تسلیحات .

سابقه همکاری نظامی ایران و آلمان در زمینه ایجاد کارخانه ها و صنایع تسلیحاتی و برتری این کشور بر سایر کشورهای رقیب به سال های قبل از جنگ جهانی اول یعنی در سال ۱۳۲۰ هجری شمسی برمی گردد و این همکاری قطع شد و در اواخر دوره قاجار شاهد معاملات تسلیحاتی و تجهیزات نظامی ایران و آلمان هستیم. در زمان صدارت «مورگان شوستر» مستشار آمریکایی، خزانه داری ایران برای تقویت ژاندارمری که بازوی اجرایی خزانه داری محسوب می شد، دستور خرید «۵۰ هزار تفنگ» داد و "این فقط یک پرونده است" و آن را به آلمان می دهد.

در سال ۱۳۳۶ هجری شمسی در یک مورد با یک کارخانه اسلحه سازی در برلین به نام «Deutsch vanen aund Mutisin» معامله شد که حجم آن به ۴۸۹۳۵ مارک رسید و در همان سال با درخواست خرید "۶۰۰۰۰ تفنگ، سه میلیون فشنگ، قطعات توپ، یک میلیون فشنگ توپ، ۳۰۰۰۰۰ عدد فشنگ پنبه برای توپ و ابزار تعمیر توپ و تفنگ" از آلمان مواجه هستیم. (سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۹۰/۴۹۰/۱).

قبل از جنگ جهانی اول، دو تبعه آلمانی که به ارتش ایران مشاوره می دادند اصلاحاتی انجام دادند، یعنی ژنرال آگوست ورث که در دو بخش مهمات کار می کرد و کاکس هس که واحد مسلسل را برای اولین بار در ایران تأسیس کرد و ارتش.

یکی از دلایل تمایل دولت آلمان به همکاری با دولت ایران در زمینه تسلیحات پس از جنگ جهانی اول، ناشی از شرایط و محدودیت های این کشور به ویژه محدودیت شدید تسلیحات پس از انعقاد معاهده بود و ۱۹۱۹ مورشای. تنگناهای متعددی که برای صنعت نظامی آلمان به وجود آمد، شدید و بازدارنده بود، به این معنی که حتی از "مدل سازی سلاح" نیز از سوی دولت آلمان جلوگیری شد.

پیامدهای این محدودیت تسلیحاتی در «صنایع نظامی و سازماندهی اقتصاد غیرنظامی آلمان» مانند «صنایع هواپیماسازی» به شکلی خاص نشان داده شد و در این زمان دولت آلمان با دو موضوع مهم روبرو بود: اول حفظ و توسعه صنایع نظامی، دوم فراهم امکان و رقابت با رقبای اروپایی

با توجه به این نکات، اقدام دولت آلمان در انتقال صنایع غیرنظامی و نظامی خود از جمله هواپیماسازی، ساخت سلاح و غیره به کشورهای دیگر قابل توجیه است، حتی اگر آلمان کاری مخفیانه انجام داده باشد، باید کشورهای خارجی انجام دهند و آن را بیازمایند» پس باید در نظر داشت که در این زمان ایران پس از شوروی که روابط بسیار خوبی با جمهوری وایمار

داشت، به عنوان یکی از امکانات ادامه حیات اقتصادی و نظامی آلمان محسوب می شد.

آنچه باعث شکل گیری همکاری های نظامی ایران و آلمان شد در چند محور قابل تحلیل است:

۱) تلاش دولت رضاشاه برای تقویت ارتش ایران که لزوماً توجه خود را به کشورهای پیشرفته نظامی معطوف داشت.

۲) ادامه سیاست رویکرد و یافتن «نیروی سوم» که از دوره قاجار وجود داشت.

اما قرار گرفتن آلمان در جایگاهی که پشتوانه نظامی و تسلیحاتی ارتش ایران باشد با مشکلاتی مواجه بود.

همانطور که «احمد مهاد» بر این عقیده است که «علیرغم اینکه در اوایل دهه بیست، گرایش های ضد انگلیسی در میان توده های مردم ایران رایج بود، باز هم برای آلمان کار آسانی نبود که بتواند به نقطه نظامی برسد و دیدگاه باید جای پای خود را تقویت کند».

۳-۴- موانع و پیامدهای نبود روابط نظامی گسترده بین ایران و آلمان

به نظر می رسد عوامل متعددی مانع از ایجاد روابط نظامی گسترده تر بین ایران و آلمان، به ویژه در امر تسلیحات و آموزش نظامی شده است :

۱- وجود تسلیحات و مدل آموزشی و سلاح های سازمانی کشورهای اروپایی به ویژه تسلیحات فرانسوی در ایران.

۲- اعزام دانشجویان علوم نظامی به کشورهای اروپایی و تاثیر الگوی آموزش نظامی و تسلیحاتی هر یک از آنها. آنها

۳- وجود افسران عالی رتبه ارتش که در فرانسه، انگلیس و سوئیس آموزش دیده و تحت تأثیر سازمان نظامی آن کشورها فعالیت می کردند.

۴- وجود نیروهای نظامی با تشکیلات و تشکیلات کاملاً متفاوت در بدنه ارتش ایران که در جای خود باعث ناهمگونی در طراحی و خرید تسلیحات گردید.

۵- وابستگی تسلیحاتی ارتش ایران به کشورهای اسلحه فروش و رقابت در این زمینه

۶- فقدان اقتدار و ثبات سیاسی - نظامی آلمان در سالهای اول پس از جنگ جهانی اول.

۷- عدم اطمینان دولت ایران برای ایجاد جریان مثبت خرید تسلیحات با آلمان و حفظ روابط نظامی.

۸- فشار دولت های متحد بر کشورهای طرف قرارداد تسلیحاتی با آلمان پس از جنگ جهانی اول.

رد پیشنهاد ورود معلمان علوم نظامی از آلمان در سال ۱۳۰۱ را شاید بتوان تصمیمی برآمده و متأثر از عوامل فوق دانست و اما با تلاش سرهنگ ارفع فرستاده ویژه سردار سپه رضاخان برای خرید اسلحه در اروپا، آلمانی ها توانستند زحمات زیادی را صرف ایجاد زرادخانه ایران کنند و جای پای آلمان را در صنایع نظامی ایران باز کنند و در همین راستا انعقاد قرارداد ۱۳۰۱ ایران و آلمان که بر اساس آن «نه تنها کامیون های نظامی، بلکه ایجاد یک تعمیرگاه برای آنها زیر نظر یک آلمانی» به عنوان یک اقدام مؤثر در نظر گرفته شد (سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲/۶۷/۱۴۷/۲۴۰).

در اقدامی دیگر در سال ۱۳۰۳ هجری شمسی با ورود کارشناسان آلمانی این حرکت برای اولین بار در ایران به منظور تأسیس خزانه ادامه یافت و در این مبارزه نقش «هارتمن» به عنوان مدیر فنی و سرهنگ «هس» به عنوان رئیس قسمت مسلسل قابل توجه است و در همان سال رضاخان به عنوان رئیس ارتش و وزیر جنگ، یک دستگاه ضد گلوله را از صنایع نظامی آلمان سفارش داد.

البته این تماس ها محدود به این مرحله نبود و به دلیل کمبود مهمات کافی ایران، اولین قدم برای تهیه تدارکات نظامی برداشته شد و در این زمان که آلمان در اولین جنگ بین المللی شکست خورد و روسیه در دوران پس از انقلاب بود، تهیه سلاح از آلمان با مشکل جدی مواجه بود و سرلشکر اسماعیل خان شفایی؛ او که از تهیه تدارکات نظامی در «مسکو» بیزار نبود، بنا به نظر رضاشاه به آلمان رفت و «با تحمل مشغله های فراوان و مواجهه با خطرات جانی، پس از شش ماه به مقدار لازم فشنگ، تفنگ و مسلسل به ایران» بعدها، وقتی سرلشکر شفایی به ایران بازگشت، رضاشاه به او گفت: آن تفنگ ها و فشنگ های جدید مرا نجات داد و اولین نقشه هایم اجرا شد.

بعدها صنایع نظامی آلمان بیشتر مورد توجه قرار گرفت، زیرا «طبق دستور رضاشاه و پیشنهاد هارتمن حتی قرار بود تأسیساتی که در آلمان از رده خارج شده بود، اما در عین حال برای صنایع نظامی ایران مفید بود، وارد شود و یک طرف معامله کاملاً متفاوت بود، از سوی دیگر، «دولت آلمان در پاسخ به علاقه فراوان ایران به صنایع نظامی، معتقد بود که دستگاه های تولیدی مادر (عمده) را نمی توان به کشورهای خارجی صادر کرد و رکود حاکم بر آن کشور پس از جنگ جهانی اول. کرد اما در همان زمان دولت

آلمان حاضر شد کارخانه هایی را که محصولات آنها دیگر توان رقابت با محصولات ملی و غیر ملی سودآور را نداشت به ایران بفروشد و به این ترتیب آلمان سعی کرد دستگاه های تقریباً قدیمی را نیز به حراج بگذارد و به عنوان امکانات غیرقابل استفاده برای مصارف داخلی با سود معقول به ایران بفروشد» (سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲/۷۱/۱۴۷/۲۴۰).

البته باید در نظر داشت که هیچ تناقضی بین تصمیم انتقال صنایع نظامی آلمان به ایران و عدم واگذاری صنایع مادر وجود ندارد و اولاً واگذاری صنایع نظامی از ابتدا در حد انتقال کارخانه های فشنگ و باروت بود نه صنایع مادر یا تبدیلی، ثانیاً اساساً واگذاری صنایع مادر نه مفید بود و نه امکان پذیر، زیرا صنایع مرد به کارخانه و محیطی نیاز دارد و صنایع و واحدهای صنعتی خاص که ایران فاقد آن بود و البته این مقدار برای دولت ایران نیز قطعی بود و تصور دولت ایران که می دانست کشورش فاقد زیرساخت های پیشرفته اقتصادی و صنعتی است، با وجود فرسودگی و فرسودگی، به ورود این دستگاه ها خوش بینانه بود و از دیدگاه آنها سنگ بنای صنعتی شدن ایران است و رسیدن به کشورهای توسعه یافته این امر به ویژه در بخش نظامی قابل توجه است (دلفانی، ۱۳۱۵: ۷۳). اقدام تأسیس کارخانه هایی که نوعاً انگلیسی و آلمانی بودند مؤید این امر است.

علیرغم این تمایل، هم از نظر نیروی انسانی ماهر و هم از نظر فناوری، ایران فاقد امکان و کارایی این موسسات بهینه بود و بنابراین فرآیند صنعتی شدن نظامی و ایجاد کارخانه های اسلحه سازی به ناچار به بیگانگان سپرده شد و رد پای آلمانی ها اینجا هم مشخص است.

هارتمن، مشاور آلمانی، برنامه معدنی ایران را در این زمینه طراحی و طراحی کرد و ما از چارچوب این طرح و نحوه برنامه ریزی آن اطلاعی نداریم. اما به نظر می رسد برنامه ریزی برای استخراج معادن ایران توسط ایران و آلمان منافع متقابل قابل توجهی را در پی داشته است و طرح معدن بخشی از برنامه مشاور آلمانی برای ایجاد مواد اولیه برای صنایع مادر در بخش صنایع نظامی بود، زیرا کارخانه های تبدیلی نیز در برنامه وی پیش بینی شده بود و وی با شناسایی و ارائه طرح استخراج معادن روی و مس قصد داشت صنایع نظامی ایران را ساماندهی اساسی کند و آلمان نیز با این سرمایه گذاری موافقت کرد، به ویژه ایران که در مسیر احیای سریع اقتصادی و صنعتی آلمان قرار داشت و اساساً نقشه هارتمن و مأموریت او در راستای تقویت پایگاه نظامی ارتش ایران و گرفتن سفارش برای صنایع نظامی آلمان تعریف شده است.

با قطع روابط ایران و آلمان در سال ۱۳۱۰ هجری قمری، به دلیل تبلیغات ضد رضاشاه سبط دانشجویان مخالف دولت ایران مقیم آلمان، روابط اقتصادی و نظامی در کشور با رکود مواجه شد و به طوری که به هارتمن که حدود یک سال بدون قرارداد در ایران کار می کرد، مهلتی سه روزه به زرادخانه داده شد (ایران) تحویل دهد و در همین راستا تمامی آلمانی هایی که هنوز قراردادشان معتبر نبود، به بهانه اینکه مزد بیشتری طلب کرده اند، از ایران اخراج شدند و اداره زرادخانه ایران پس از این حادثه به چه کسی سپرده شد و اها شدت عکس العمل ایران به حدی بود که مأموریت سرهنگ ارفع که در سال ۱۳۱۰ برای جذب و استخدام کارشناسان کارخانه مهمات سازی «پارچین» و صنایع نظامی ایران به برلین رفته بود، لغو شد، زیرا رضاشاه دستور خاتمه مذاکرات را در سازمان ملل صادر کرد و آخرین لحظه انجام داد

با کمبود آلمان از صنایع نظامی ایران، مهمات سازی که بخش اصلی صنایع نظامی ایران را تشکیل می داد، تحت تاثیر سوئدی ها و اسلحه سازی تحت تاثیر چک ها و فشنگ سازی در کنترل این کشور قرار گرفت و بلژیکی ها بحران ۱۹۳۲ م / ۱۳۱۰ در روابط ایران و آلمان پیامدهای متفاوتی برای طرفین داشت و ایران در روند تسلیح ارتش و ایجاد صنایع نظامی با فداکاری روبرو بود و اما به نظر می رسد که این حادثه برای اقتصاد آسیب دیده از جنگ آلمان ناگوارتر بود زیرا بیشتر کارخانه های نظامی دیگر از هارتمن دستور و قرارداد دریافت نمی کردند و مهرداد با استفاده از اسناد آرشیو آلمان دیدگاه خود را در مورد علل بحران و تأثیر آن چنین بیان می کند: «منابع آلمانی در آن زمان بخش بزرگی از شکست های شرکت های آلمانی در ایران را به خریدار اسلحه یعنی سرهنگ ارفع نسبت می دهند و با رفتار ضد آلمانی خود کارخانه های چک را بر کارخانه های آلمانی ترجیح داد.

مأموریت ارفع برای هر دو کشور مهم بود و ارتش ایران تمایلی به سلاح های آلمانی مانند «ماوزر» و... داشت در سال ۱۳۰۸/۱۹۳۰ م برای خرید ۱۰۰۰۰۰۰ قبضه تپانچه ماوزر وارد آلمان شد و در مقایسه با کشورهای دیگر مانند بلژیک، آلمان این سلاح را ارزان تر فروخت و از یک سو مأموریت اسماعیل خان در انعقاد قرارداد با شرکت آلمانی "ورنر" در پاییز ۱۹۳۲ م ۱۳۱۱. که طی آن ایران تعدادی تفنگ به ارزش ۲ میلیون رایشمارک از آلمان خریداری کرد و همچنین به کارگیری ده نفر از کارشناسان نظامی ارتش. این کشور در صنایع نظامی ایران و ادامه این روند برای آلمانی ها

بسیار مهم به نظر می‌رسید و در پاسخ به بحران ۱۹۳۲ م / ۱۳۱۰ ش. شرکت «استنن» و «هایمان» با مراجعه به وزارت خارجه آلمان از سفارت در تهران خواستار توقف خرید تسلیحات ماوزر از بلژیک شدند (خزانه داری سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۴۰/۱۰۲/۴/۱۶۰).

البته دولت ایران در سال ۱۳۱۷ مذاکرات محرمانه ای را با شرکت آلمانی "فرشتال" آلمان برای خرید کارخانجات فشنگ سازی در قالب مناقصه با نماینده بازرگانی آلمان انجام داد که ظاهراً به نتیجه ای نرسید، اما در همان مناقصه. سال، اقدام دیگری برای خرید تسلیحات نظامی انجام شد و برید جنرال نخجوان، معاون وزیر جنگ، در این باره به وزارت دارایی نامه نوشت: «برای تهیه مقداری ماشین آلات و تجهیزات کارخانه های کارتریج سازی، هیئت بازرسی اسلحه پیشنهاد ارزشمندی از کارخانه ورنر آلمان دریافت کرد و موضوع را به اعلیحضرت همایون شاهنشاهی ارائه کردند و گفتند که تمام شده است.

مهرداد علیرغم معاملات بزرگی که قبلاً از دستورات شوستر به سرهنگ ارفع به آنها اشاره شد، معتقد است که «مردم این کشور از نتایج مذاکرات وزارت جنگ ایران و صنایع نظامی آلمان سودی نبرده اند، به همین دلیل است که صادرات ... این نوع به حل بیکاری که در آلمان فراگیر شده بود کمک چندانی نکرد، از طرفی این معاملات باعث شد که صنایع نظامی آلمان ثمره این قراردادها را در زمان دولت ناسیونال سوسیالیست درو کنند» اما مهرداد خاطرنشان کرد: به این معنی که پیامدهای این روابط نظامی برای ایران بسیار ناگوارتر بود، زیرا در نتیجه انعقاد این قراردادها و گسترش روابط دوجانبه:

الف- عملاً احتمال و احتمال ورود ایران به عرصه جنگ جهانی دوم و اشغال ایران توسط متفقین قوت می‌گرفت.

ب- آوردن تأسیسات و کارخانجات فرسوده و خارج از کلاس مانند کارتریج سازی، باروت سازی و هواپیماسازی نه تنها کمکی به اقتصاد و صنایع ایران نکرد، بلکه با صرف هزینه های گزاف هزینه های زیادی را به همراه داشت و فشار بر بدنه مالی ایران و ایجاد مشکلات دیگری، روند رشد طبیعی این صنایع مسیر دیگری را طی کرد.

ج- وابستگی نظامی ایران از نظر تسلیحات و صنایع نظامی افزایش یافت و از آنجایی که در دهه ۱۹۳۰ آلمان مرکز تحولات سیاسی و اقتصادی و تحولات روابط سیاسی بود، وابستگی نظامی و تسلیحاتی آلمان خواه ناخواه

ایران را تحت تأثیر قرار داد و روابط سیاسی اروپا این امر را اساساً فراتر از تحمل دولت رضاشاه کرد.

اما دولت ایران مجبور به ایجاد پایه های صنایع نظامی، خرید تجهیزات و کارخانه های نظامی شد و این روند تا پایان دوره رضاشاه مشهود بود و است

روند پرشتاب فناوری نظامی کشورهای اروپایی به گونه ای بود که همواره کشورهایی مانند ایران را که فاقد ساختار اقتصادی نظامی بودند، می طلبد و با وجود این، رضاشاه اصرار داشت که «نیازهای کوچک و ضروری ارتش از قبیل تهیه تفنگ و مسلسل سبک، مواد شیمیایی و غیره را در داخل کشور تأمین کند». تلاش های نسبتاً گسترده ای در این راستا صورت گرفت و سلاح ها از راه های مختلف از جمله روسیه وارد ایران می شد و در گزارش دولت گیلان و طویل آن به وزارت کشور در سال ۱۳۰۲ می خوانیم «دیشب هفتم سبله دو فروند هواپیمای بزرگ از آلمان وارد شد که محموله یکی از آنها مال و کالا بود». و دیگری اسلحه است، کشتی مذکور از کشتی قبلی بزرگتر است و امروز تمام اسلحه ها با گاری تحویل و به تهران منتقل شد و بقیه حدود بیست روز دیگر می رسد».

با گذشت زمان میزان سلاح های وارداتی به حدی افزایش یافت که به عنوان نمونه وجوه پرداختی برای خرید اسلحه از ۲۶ بهمن ۱۳۱۰ تا خرداد ۱۳۱۱ به مبلغ ۱۰۳۳۷۷۶ لیره و از اول تیر تا شهریور ۱۳۱۱ به این میزان رسید و ۱,۲۲۶,۳۹۲ لیر. خرید از آلمان رزرو شده است.

۴-۴- انواع سلاح هسته های اصلی نیروهای نظامی در دوره پهلوی اول

رضاشاه (پس از ساختن و پرداختن به کارخانه های نظامی پارچین و سلطان آباد و مسلسل سازی و وارد کارخانه های کوچک هواپیماسازی و تکمیل کارخانه جنگ قورخانه که در مرکز تهران قرار داشت، می خواست هر روز فعالیت خود را توسعه دهد) منظور دیگر وی «واردات کارخانه شماره ۵۱ و نک» بود که در زمینه ساخت ضد ماسک تخصص دارد و گاز خواب بود که عملی شد: البته طرح تأسیس کارخانه های ذوب مس و ذوب آهن نیز به عنوان «صنایع مادر» در این برنامه گنجانده شد.

هیچ یک از این طرح ها به طور کامل اجرا نشد و رضاشاه «علی رغم اینکه متوجه ناکافی بودن سلاح های نیمه سنگین و انحصار تجهیزات ارتش می شد، همچنان معتقد بود که نیروهای نظامی او پیشرفته و کارآمد هستند، اگرچه پایه های اعتقادی او بسیار محدود بود».

ارتشی که رضاشاه تأسیس کرد، در مقایسه با نیروهای نظامی و صنایع تسلیحاتی دوره قاجار، پیشرفته تر و کارآمدتر بود، اما به هیچ وجه در سطح ارتش های اروپایی نبود و در واقع ارتش و صنایع نظامی دارای ضعف های ساختاری فراوانی بودند که در هر مرحله از تسلیح ارتش با موانعی مواجه می شد، کاستی هایی که گاه تا پایان این دوره ادامه داشت و تطبیق پذیری سلاح های ارتش ایران و کمبود سلاح های سازمانی در نیروهای نظامی دوره قاجار به وضوح نمایان بود و به عنوان نمونه به نوع سلاح هسته های اصلی نیروهای نظامی توجه می کنیم: «تیپ قزاق، الف- مسلسل ماکسیم. (آلمانی)، توپ های ۷۶ میلی متری رایونوف (روسی) و افسیون (اتریش) و ۷۵ میلی متری شیندر (فرانسوی)

ژاندارمری:

الف- تفنگ پنج تیر کاراتبین (آلمانی) مدل ۱۸۹۶.

ب- انواع تفنگ تمرینی

ج- مسلسل و توپ ماکسیم.

برو کنار نگهبان: مرکزی:

الف- تفنگ ورندل و لویل و مسلسل ماکسیم و توپ شیندر (فرانسوی) و

چهار پوند (انگلیسی)

نیروهای ارتش:

الف- پنج تیر (روسی)

ب- پنج تیر (عثمانی)

سی پانچ تیر (آلمانی)

د • سر پیکان بلند و کوتاه.

E - Verndel Afaciono چهار پوند (انگلیسی)

تداوم تعدد سلاح در ارتش در دوره رضاشاه تحت تأثیر عوامل سیاسی و بین المللی و سازماندهی ارتش بود و خریدهای متعددی از چکسلواکی، بلژیک، فرانسه، آلمان، انگلستان و ... انجام شد.

انعقاد قراردادهای مختلف و غیره به سازمان «ارتش متحدالشکل» که در سال ۱۳۰۰ هجری شمسی تأسیس شد آسیب می رساند البته خریدهایی که در ابتدا انجام شد ضروری به نظر می رسد، به ویژه اگر جدول زیر را در نظر بگیریم که توان تسلیحات ارتش ایران خیلی مهم نبود.

جدول ۱: سلاح های ارتش متحدالشکل در ماه مبارک ۱۳۰۰ ش

ردیف	ارتش	تفنگ	ملت ها	توپ	تفنگ دستی	ملاحظات
۱	۵ بخش	۲۷۳۲۵	۶۶	۸۶	۱۳۶۷	

به ویژه در دوران تجارت اسلحه که با حمایت دولت مرکزی در بین استان ها رواج داشت و اول از همه، مقدار سلاح برای برتری نظامی در نظر گرفته شد و به عنوان مقایسه در سال ۱۲۹۹ ه.ق، تعداد کل سلاح ها گارد قزاق که یکی از کارآمدترین نیروهای نظامی ایران در آن زمان بود و در مقابل ایلات بسیار کم است و به جدول زیر توجه می کنیم.

نوع سلاح	تعداد انواع سلاح	موقعیت مکانی موجود
۱. پیادی مارتینی	۵۰/۰۰۰	در دست ایلات
۲. بردارید	۱/۵۰۰	در دست گارد قزاق
۳. ورزش	۸/۰۰۰	در انبار
۴. گالین	۴/۰۰۰	در انبار
۵. تفنگ ژورنالی	۴/۰۰۰	در انبار
۶. اسلحه های مدرن	۴/۰۰۰	در انبار

صرف نظر از برتری ایلات در تسلیحات، باید در نظر داشت که "ایلات خودمختار نه تنها مجهز به سلاح های جدیدتر بود، بلکه دو برابر سلاح های پیاده نظام نیز داشت." در عین حال، سلاح های قدیمی پیاده نظام به دلیل کمبود مهمات تقریباً بی استفاده بودند.

برای اطلاعات بیشتر باید ترکیب تسلیحات را از دیدگاه کشورهای تولیدکننده نیز در نظر گرفت و جدول زیر انواع توپ های موجود در پنج لشکر را مشخص می کند:

جدول ۲: انواع توپ های موجود در لشکرهای پنج گانه

ارتش	انواع توپ
مرکز	فرانسوی، انگلیسی، روسی، اتریشی
شمال غربی	فرانسوی، روسی
شرق	فرانسوی، انگلیسی

جنوب	فرانسوی، انگلیسی، روسی، عثمانی
غرب	فرانسوی، روسی، اتریشی

در واقع وضعیت سیاسی و نظامی و مالی اجازه نمی داد که همه اهداف تسلیح ارتش جامعه عملی شود و در این مورد نیز مانند سایر موارد اقتصادی، اجتماعی و... در قالب تصویب نامه و طرح و سپس استفاده از ترکیبی از امکان موجود با ساخت آن مجموعه عملی شد و در اغلب موارد اهداف و برنامه ها با منابع مالی و انسانی شرایط سیاسی و اقتصادی مطابقت کامل نداشت (خزانه داری سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۱۰/۷/۲۴۰).

۴-۵- نقش آلمانی ها در اقدامات رضاشاه برای تقویت پایگاه تسلیحاتی و سازمان های صنایع نظامی.

برای تقویت پایگاه تسلیحاتی و سازمان های صنایع نظامی سه راه در پیش گرفت:

اول خرید اسلحه و مهمات از کشورهای خارجی، دوم ایجاد کارخانه های نظامی و سوم آموزش نیروی انسانی ماهی در این صنایع.

مورد اول با اعزام نیروهای عالی رتبه نظامی با مأموریت انعقاد قرارداد خرید نظامی محقق شد که به اختصار اشاره شد و در مورد بعدی، در میان تحقیقاتی که برای خرید کارخانجات اسلحه و مهمات از نظر سازمانی انجام شد، قورخانه تهران که جزو لشکر مرکزی بود طی حکمی در روز اول از آن جدا شد و جوزای ۱۳۰۲ هجری قمری و تبدیل به "شعبه" شد کارخانه های نظامی ارکان حرب در ارکان حرب حلقه ای تشکیل دادند، این همان سازمانی است که بعداً در سال ۱۳۰۵ هجری قمری به حلقه ششم تبدیل شد، از نه اداره کل ارتش زیرمجموعه ارکان حرب.

قورخانه از نظر تشکیلات نظامی سومین قسمت فرماندهی وزارت جنگ بود که ریاست آن را معاون سرهنگ اسماعیل خان شفاهی بر عهده داشت و در سال ۱۳۱۳ هجری شمسی مأمور خرید تانک و تجهیزات نظامی از کارخانه های «شکودا» (چکسلواکی) و «بوفرس» شد و در این مورد طی نامه ای محرمانه به وی اعلام شد: اولاً زره تلنک انتخابی باید قوی ترین زره باشد و ثانیاً آنقدر قوی باشد که از حداکثر شیب ها عبور کند و در همین راستا رضاشاه به او دستور داده بود که «سرتیپ اسماعیل خان شخصاً تانک منظور را در سرزمین هایی که شبیه کشور ایران است در اروپا آزمایش کرده و در حال حاضر بیست تانک متوسط و بیست تانک کوچک

خریداری کرده است و پس از گرفتن تخفیف احتمالی قیمت آنها را اعلام می کند.

گسترش قورخانه و جدایی آن از ارتش مرکزی نشان از اهمیت این بخش از سازمان نظامی ایران و توجه خاصی است که به آن شده است و همان چنانکه گفته شد تحقق این امر در سال ۱۳۰۲ هجری شمسی طی فرمان قشونی به دستور سردار سپه به شرح زیر میسر شد:

"ارتش کل ارتش، دایره تنظیمات"

ماده ۱ - قرارگاه سپاه مرکزی در اولین تاریخ فال جوزای از لشکر مذکور جدا شده و دایره (بخشی) از ارکان اصلی نبرد خواهد بود.

ماده ۲ - تشکیلات قورخانه را از اول جوزای ۱۳۰۲ به شرح زیر تشکیل می دهیم :

۱- هیئت مدیره ۸- شعبه ریخته گری

۲- گروه مهندسی ۹- نجاری و نجاری

۳- دایره لازم ۱۰- اسلحه سازی

۴- شاخه سخت افزار ۱۱- باروت سازی

۵- دایره بایگانی ۱۲- کارتریج سازی

۶- دایره چرخ ۱۳- ماشین خانه

۷- شعبه حدادی

به غیر از قسمت هایی که ناکافی بودند، سایر قسمت ها نتوانستند پشتیبانی نظامی لازم را انجام دهند و بنابراین نیاز به راه اندازی و توسعه صنایع نظامی با توجه به نیاز ارتش بود که نیاز به برنامه ریزی کارشناسان نظامی و صنعتی داشت.

در همین راستا بود که «اشمیت»، مهندس ارشد و متخصص اسلحه و ماشین آلات، دعوت شد که تقریباً نیاز ارتش به سلاح جنگی و نیازهای لجستیکی را تأمین می کرد و اشمیت در طرح خود تأسیس بخش های زیر را پیشنهاد کرد:

۱- کارخانه بزرگ ماشین آلات مختلف برای کلیه تعمیرات توپ و غیره.

۲- کارخانه تفنگ سازی برای تولید انواع تفنگ و مسلسل نو و تعمیرات کلی در مورد آنها.

۳- کارخانه فشنگ سازی جهت ساخت کلیه فشنگ های مورد نیاز ارتش نوار مسلسل.

۴- کارخانه باروت سازی برای ترکیب پودرهای جلید کم دود و اجزای شیمیایی.

۵- کارخانه ریخته گری و ذوب آهن و فولادسازی برای تولید گلوله های توپ مانند "گونارشرفیل" و نارنجک های دستی.

۶- کارخانه کالسکه با شعبه های تعمیر خودرو، اره، بخاری خودرو و سراجی به روش جدید.

۷- کارخانه تولید برق.

۸- آموزشگاه فنی آموزش اسلحه سازان ماهر و شاغل برای آینده گورخانه.

۹- (تاسیس) محل تیراندازی طبق معمول در اروپا برای آزمایش تیراندازی تفنگ و مسلسل و توپ.

طرح تشکیلات جدید قرخانه کامل و مطابق با سبک اروپایی به نظر می رسید و رضاشاه کاملاً پسندیده بود و اما مشکلی که معمولاً به عنوان «نقص ساختاری» مطرح می شد، مانع از اجرای طرح مذکور شد.

نبود زیرساخت های صنعتی، توسعه نیافتگی اقتصادی و... مشکلات فنی، مالی، کمبود نیروی انسانی ماهر و غیره باعث شد روند راه اندازی این ادارات دچار وقفه شود و با اقداماتی برای رفع نواقص موجود از جمله استخدام پنج کارشناس آلمانی در زمینه ریخته گری ماشین آلات، تعمیر توپ، تفنگ و مسلسل و تهیه مهمات انجام شد، اما وابستگی فنی و صنعتی ایجاد پمپ بنزین با چنین مواردی بود و یک سازمان به کشورهای اروپایی کاملاً واضح است و در واقع کار و نگهداری پمپ بنزین قدیمی و تکمیل قطعات آن نیازمند متخصصان خارجی بود، البته ناگفته نماند طرح اشمیت که اجرای آن مستلزم استفاده بیشتر از فناوری کشورهای اروپایی بود.

طرح اشمیت اساساً با توان اقتصادی، ساختارهای صنعتی، سطح مهارت نیروی انسانی، بودجه و ... سازگاری نداشت و در آن قابل تحقق نبود و لذا «پس از مشورت با کارشناسان اروپایی از جمله مهندس اشمیت» طرح محدودتری پیشنهاد شد و برای اجرای آن «ماشین آلات و مواد لازم از آلمان وارد شد».

به این ترتیب بود که اداره قورخانه به سبک کارخانه های اسلحه سازی اروپا به آلمانی ها سپرده شد که البته به دلایل زیادی از جمله بحران ایران و آلمان وارد مرحله برنامه ریزی و توسعه شد و به دلیل کمبود امکانات و رشته های پایه به حد مطلوب نرسید و طرح تفصیلی پیشنهادی اشمیت به شرح زیر تغییر یافت:

۱- کارخانه اسلحه سازی و قنداق زنی ۸- سراجی

۲- چرخ نخ ریزی ۹- آتش بازی

۳- بایگانی ۱۰- باروت زنی

۴- ریخته گری ۱۱- کارتریج سازی

۵- حدادی ۱۲- نقاشی

۶- بخاری ۱۳- تعمیرات مسلسل

۷- شمشیر و سرنیزه سازی ۱۴- نقاشی اسلحه

اما نوبخت معتقد است: «کار اداره گورخلنه که امروزه بزرگترین کارخانه ایران به شمار می رود، پیشرفت کرده و اشیایی که قبلاً ساخت آن در ایران غیرممکن بود، از اروپا خریداری شد و در حال حاضر مانع از تهیه و انتقال آن می شود و منابع مالی کشور در خارج از کشور تا حدودی» اما با مقایسه طرح اشمیت و تغییرات ایجاد شده در آن، متوجه می شویم که علیرغم اینکه صنایع تسلیحاتی ایران در مقایسه با سایر کارخانه های ایران پیشرفته تر بودند، اما کمبودهای اساسی در این زمینه وجود داشت و بخش ها حتی تا پایان دوره رضاشاه از بین نرفتند و تعیین تخصیص بودجه برای خرید و ایجاد صنایع نظامی می تواند نکات ابهاماتی را در این زمینه روشن کند، اما از آنجایی که اسناد نظامی این دوره هنوز در دسترس نیست و جز موارد کلی و پراکنده مدرکی در دست نیست و برای رسیدگی به آن ضروری است و آن را به زمان دیگری واگذار می کنیم.

موضوع سوم، تربیت نیروهای ماهر و متخصص در صنعت تسلیحات است و به عنوان نمونه می توان به تأسیس «مدرسه ستوان فنی اسلحه (تجهی)» اشاره کرد که در اول مهرماه ۱۳۱۴ تأسیس شد و تا شهریور ۱۳۲۰ به فعالیت خود ادامه داد.

به هر حال ارتش ایران در دوره رضاشاه در تدارکات و پشتیبانی نظامی و تسلیحاتی، نگهداری و توسعه متناسب با صنایع مربوطه دارای ضعف هایی بود و مهارت های فنی و صنعتی آلمان نتوانست این کمبود را جبران کند و کاستی هایی مانند:

الف- تأثیر جریان تسلیحات و ایجاد صنایع نظامی ایران از حوادث سیاسی.

ب- عدم انطباق و انطباق طرح های توسعه، صنایع نظامی ارتش ایران با توان اقتصادی و صنعتی.

ج- عدم تطابق رشد این صنایع با توسعه سایر بخشهای ارتش (دریایی، نیروی هوایی و ...)

ت- نبود زیرساخت های اقتصادی برای جذب فناوری نظامی.

د- کمبود نیروی انسانی متخصص.

ج- تنوع سازمانی (اداری، تشکیلاتی و ترکیبی فرماندهان نظامی) در ارتش.

ج- نداشتن برنامه و خط مشی مشخص برای تجهیز و تسلیح نیروهای نظامی.

ح- رقابت کشورهای تولیدکننده سلاح برای ایران با یکدیگر و تأثیرپذیری از تسلیح ارتش و ... از جمله دلایلی بود که مانع از تحقق کامل تسلیح ارتش ایران توسط آلمان شد و روندی که در ایران هرگز درون زاتلقی نمی شد و دلیل فاصله زیاد بین فناوری اقتصادی و نظامی، سازمان نظامی ایران را همواره به کشورهای پیشرفته وابسته می کرد.

از سوی دیگر، در رابطه با یکی از سؤالات، باید گفت که اشغال ایران توسط نیروهای نظامی متفقین در سوم شهریور ۱۳۲۰ تحت تأثیر عوامل متعددی قرار گرفت و وابستگی تسلیحات ایران به دولت آلمان نمی تواند دلیلی باشد و دلیل اصلی حمله انگلیس و شوروی به ایران در نظر گرفته شده است، زیرا کشورهای دیگری مانند انگلستان، شوروی، چملاوکیا و فرانسه در روند تسلیح ارتش ایران مؤثر بودند و اما نکته اینجاست که اتکای اصلی ارتش ایران به دولت آلمان، پایه و اساس تسلیحات نظامی ایران در دوره رضاشاه، مبتنی بر برنامه ریزی برای خرید سلاح، استخدام مستشاران نظامی و ایجاد صنایع نظامی توسط ایران بود و دولت آلمان اما باید در نظر داشت که ارتباط تسلیحاتی ایران و آلمان، چه خواسته یا ناخواسته، دولت ایران را با رویه در دهه ۱۹۳۰ وارد برخی روابط سیاسی کرد و این تحولات قطعاً خارج از تحمل ایرانیان بود و دولت همان همانطور که قبلاً اشاره شد ارتش ایران دارای سازمانی چند لایه بود و حتی اصلاحات نظامی در این دوره نه تنها فروپاشی دوره قاجار را برطرف نکرد، بلکه کم و بیش در زمینه خرید سلاح، آموزش نظامی، ایجاد صنایع نظامی و ... به چندین کشور اشاره کرد

خرید تسلیحات و ایجاد صنایع نظامی در دوره پهلوی اول تحت تأثیر جریانات سیاسی و روابط خارجی با سایر کشورها قرار گرفت و با بروز تنش های سیاسی با یک کشور، روابط دولت دستخوش تغییر یا تعلیق شد و یک مشکل همچنین نمونه ای از رابطه ایران و آلمان است (دلفانی، ۱۳۷۸: ۸۹-۹۱).

۵- نتیجه گیری

مروری بر وقایع مورد بحث نشان می دهد که ادراکات و اندیشه های ذهنی بازیگران قدرت های بزرگ از یک سو و باورها و ارزش های حکومت مردان ایرانی از سوی دیگر، نقش بسیار مهمی در شکل گیری منافع دارد و اقدامات و با تغییر هویت ها و هنجارها، علایق و اعمال مذکور نیز دستخوش دگرگونی شده است و اگرچه این وضعیت در همه ابعاد روابط قدرت های بزرگ و ایران صدق می کند، اما در مورد حادثه جنگ جهانی دوم که با تغییر در تعاملات و معادلات بین المللی همراه بود، آشکارتر است و تحولات جنگ جهانی دوم نه تنها باعث تغییر هویت و به تبع آن اقدامات دولت های بزرگ با یکدیگر شد، بلکه رویارویی متفقین با ایران را به جایی رساند که این کشور به اشغال آنها درآمد و اما در زمان رضاشاه آلمان به عنوان قدرت سوم کشوری قدرتمند و صنعتی بود و برای جلوگیری از انباشت سرمایه و کالا مجبور به یافتن محلی برای مصرف بود و از آنجایی که ایران کشوری عقب مانده بود، می توانست بهترین گزینه برای آلمان باشد و صنعتی باشد و رضاشاه که به دنبال صنعتی شدن ایران بود و بنابراین آلمان می تواند بهترین گزینه برای ایران برای رسیدن به اهداف خود باشد.

در واقع گسترش روابط ایران و آلمان از آنجا ناشی شد که آلمان می خواست به قدرتی مهم در اروپا تبدیل شود و نیاز به احیای اقتصادی داشت و در این میان حضور آلمان در ایران در دوران رضاشاه در دهه ۲۰. ۱۳۱۳، بیش از حد این فرصتی بود که توسط متفقین رسماً به رسمیت شناخته شد و دولتمردان ایران با وجود اینکه از آن به عنوان ابزاری برای تعدیل نفوذ شوروی و انگلیس استفاده کردند، از نوسازی صنعت و توسعه اقتصاد کشور استقبال کردند و روابط دو کشور تا آغاز جنگ جهانی دوم و اشغال کشور توسط نیروهای متفقین تا مرز یک اتحاد نظامی و استراتژیک پیش رفت.

بر خلاف روس ها و انگلیسی ها که سعی می کردند به عنوان «ابزار سلطه» به دولت مرکزی و سیاستمداران ایرانی تکیه کنند، آلمانی ها سعی کردند به بدنه جامعه ایران، اقبشار و گروه های فعال و تأثیرگذار آن و در عین حال تکیه کنند و هیچ تلاشی برای نفوذ نکردند در هیأت حاکمه و بزرگان کشور دریغ نمی کنند.

یکی از ارکان اصلی حکومت رضاشاه که تحت تأثیر نفوذ آلمان بود، نیروی نظامی بود و اساساً ساختار حکومت یک ساختار نظامی بود و ارتش علاوه

بر وظیفه نظامی در تمامی سازمان های اداری نقش اجرایی نیز داشت و بنابراین مهمترین هدف رضاشاه تقویت این نهاد بود و او از یک سو با تأسیس دانشکده افسری در تهران و از سوی دیگر با اعزام افسران ایرانی به خارج از کشور برای آموزش در دانشکده های نظامی این اهداف را دنبال می کرد.

رضا شاه سه مدرسه هوانوردی در اهواز، مشهد و تهران ساخت و برخی از اساتید در فرانسه یا کشورهای دیگر تحصیل کرده بودند و فنون نظامی آموخته بودند و برخی از اساتید خارجی در این مدارس نظامی تدریس می کردند که نفوذ آلمان در آنجا قابل توجه بود و در سال ۱۳۱۱ نیروی هوایی مستقل شد و یک ستاد هنگ مستقل به مدیریت سرگرد سوئدی نوردیکست به همین منظور ایجاد شد و در سال ۱۳۱۴ فرماندهی نیروی هوایی ایران به سرهنگ بووا بلژیکی سپرده شد و از آنجایی که آلمان و ایتالیا متحد بودند، این امر بر روابط سیاسی و دیپلماتیک ایران و ایتالیا نیز تأثیر گذاشت و افسران ایرانی در مدارس نظامی ایتالیا تحصیل کردند و برخی از افسران نیروی دریایی و همچنین ملوانان ایرانی در دانشگاه لیورنو ایتالیا، دانشگاه ویژه نیروی دریایی آموزش دیده بودند و رضاشاه در سال ۱۳۱۱ با خرید یک ناوشکن و چند کشتی تفنگدار از ایتالیا، نیروی دریایی ایران را در خلیج فارس تأسیس کرد.

منابع

- ۱) آبادیان، حسین، (۱۳۸۸)، «عبدالاحسین تیمورتاش و روابط خارجی ایران بر اساس اسناد نو یافته»، *تاریخ ایران*، شماره ۶۱/۵، ۲۲-۱.
- ۲) خزانه سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۱۶۰ / ۴ / ۱۰۲ / ۲۴۰.
- ۳) خیرلندیش، عبدالرسول همکاران (۱۳۹۷)، «ارتباطات فرهنگی ایران و آلمان و تاثیر آن بر جریانات روشنفکری در ایران (۱۲۵۶ تا ۱۲۹۷ ه.ش - ۱۲۸۸ تا ۱۳۳۶ ه.ق.)»، *پژوهشنامه تاریخ سیاست و رسانه*، سال اول، شماره اول، ۵۹-۸۳.
- ۴) دلفانی، محمود، (۱۳۱۵). گزارشی از وضعیت صنایع و مؤسسات آموزشی فنی در ۱۳۱۵ ش، *گنجینه اسناد*، شماره ۶ و ۷، ۶۴-۹۴.
- ۵) دلفانی، محمود، (۱۳۷۸). نقش دولت آلمان در ایجاد صنایع نظامی و تسلیح ارتش در دوره رضاشاه، *گنجینه اسناد*، دوره ۹، شماره ۴ و ۳، ۸۲-۹۳.
- ۶) ذکایی، محمدمسعود و صولتی، مهران (۱۳۹۷)، «ایران پیرامونی و تحول روابط دولت - ملت در عصر پهلوی اول»، *علوم اجتماعی*، دوره ۲۵، شماره ۸۲، ۷۱-۹۷.
- ۷) رعنائی، امیدعلی (۱۳۹۶)، *رژیم حقوقی دریای خزر، موافقتنامه‌ها، قراردادهای و معاهدات منعقد شده بین کشورهای ساحلی دریای خزر*، تهران: مهر غزال.
- ۸) رفیع، حسین و عباس زاده مرزبالی، عباس (۱۳۹۷)، «بررسی روابط ایران و آلمان در عصر پهلوی»، *مطالعات سیاسی*، دوره ۱۱، شماره ۴۲، ۱۱۳-۱۴۸.
- ۹) رئیس طوسی، رضا، (۱۳۶۹)، *ارتش ایران ۱۲۵۹-۱۲۸۶ ه.ش*، ترجمه حسنعلی نوذری، به نقل از تاریخ معاصر ایران، کتاب دوم، تهران: مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی.
- ۱۰) سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۱ / ۴۹۰ / ۲۹۰.
- ۱۱) سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲ / ۱۴۷ / ۶۷ / ۲۴۰.
- ۱۲) محمدی املشی، نصراله پور. جوانمردی، فوزیه (۱۴۰۰)، «تأثیر روابط خارجی بر گفتمان تجدد در دوره پهلوی اول»، *تاریخ روابط خارجی با همکاری انجمن دیپلماسی ایران*، دوره ۲۳، شماره ۸۹، ۳-۳۰.

- ۱۳) معتضد، خسرو، (۱۳۷۷): تنش بزرگ؛ روابط خارجی ایران در دوران رضاشاه، تهران: پیکان.
- ۱۴) نظری، علی اشرف (۱۳۸۶)، «ناسیونالیسم و هویت ایرانی: مطالعه موردی دوره پهلوی اول»، پژوهش حقوق عمومی، دوره ۹، شماره ۲۲، ۱۴۱-۱۷۳.
- ۱۵) نوبخت، (۱۳۴۲). شاهنشاه پهلوی، مطبوعه مجلس، تهران، نشر تاریخ ایران.
- ۱۶) نورائی، مرتضی؛ ملکی، محسن، (۱۳۹۴). پیامدهای منفی گسترش روابط صنعتی ایران و آلمان در آستانه جنگ دوم جهانی، پژوهش نامه تاریخ، سال دهم، شماره سی و نهم، ۹۵-۱۱۰.